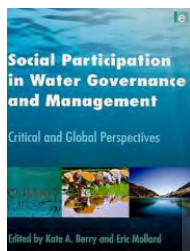


بررسی کتاب



Social Participation in Water Governance and Management: Critical and Global Perspectives/ Edited by Kate A. Berry and Eric Mollard, London, Sterling, VA: Earthscan, 2010, xxviii+328 p.

مشارکت اجتماعی در حاکمیت و مدیریت آب: چشم‌اندازهای

حیاتی و جهانی / ویراستاران: کیت ای. بری و اریک مولارد، لندن، استرلینگ، وی ای: ارث‌سکن، ۲۰۱۰، ۲۸+۳۲۸ ص.

تأثیرگذاری مشارکت اجتماعی و مدیریت آب در بسیاری از نظام‌های اقتصادی و جوامع جهانی چشمگیر، روزافزون و انکارناپذیر است. برای درک و تشخیص علاقه-مندی روزافزون کشورها به آب، توجه به ویژگی‌های عصر کنونی و زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و سیاسی کشورها و نیز تکامل و رشد جوامع و البته شناخت گرایش‌های اقتصادی و فرهنگی - به‌ویژه در دوره‌های اخیر- از مهم‌ترین مسائل اساسی مطالعات این حوزه‌هاست.

بر اساس گزارش‌های سازمان توسعه انسانی ملل متحد در ۲۰۰۶، دنیا با کمبود آب مواجه نیست بلکه در سراسر جهان، آب برای مصارف خانگی، کشاورزی و صنعت به مقدار کافی در دسترس همه کشورهاست؛ اما مشکل اساسی در این زمینه به مدیریت، شیوه بهره‌برداری و توزیع منابع آبی در جهان برمی‌گردد.

امروزه، بر اثر سوءمدیریت و اعمال سیاست‌های ناعادلانه، جهان به‌سوی کمبود آب و چالش‌های اساسی برآمده از اتخاذ سیاست‌های نادرست پیش می‌رود، پدیده‌ای که در آینده‌ای نزدیک، به پیدایش بحران‌های اجتماعی و سیاسی دامن خواهد زد.

بنا به تأکید برنامه توسعه سازمان ملل متحد^(۱)، هم‌اکنون در حدود ۱/۲ میلیارد نفر از مردم جهان برای دسترسی به آب بهداشتی و سالم با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه‌اند و همچنین، سالانه نزدیک به دو میلیون نفر (اغلب کودکان) به دلیل کیفیت نازل آب و بیماری‌های ناشی از آن، مانند اسهال و وبا، جان خود را از دست می‌دهند؛ مسلم است که اکثریت این افراد را فقرا تشکیل می‌دهند.

چشم‌انداز کنونی دسترسی به آب چنان مبهم و نامشخص است که حدود دو هزار نهاد، سازمان و دولت در سراسر جهان به رویارویی با بحران آب و دسترسی و توزیع منابع آبی برخاسته و سرانجام، هر کدام از این نهادها، از دیدگاه خود، به ارائه راهکارها و سیاست‌هایی بر مبنای اهداف برنامه‌های توسعه‌ای پرداخته‌اند. یکی از این برنامه‌ها دربرگیرنده کاهش تعداد افرادی است که تا ۲۰۱۵، هیچ‌گونه دسترسی به آب سالم نخواهند داشت. چنان‌که برنامه توسعه سازمان ملل متحد بیان می‌دارد، هم‌اکنون فناوری، زیرساخت و منابع مالی و نیز ظرفیت انسانی برای پایان بخشیدن بدین معضل و بلای انسانی وجود دارد؛ و در صورت استفاده مناسب و هدفمند از این توانایی‌ها، مشکل اصلی قرن حاضر و آتی قابل حل خواهد بود. این نهاد تأکید می‌کند که تنها با تشکیل نشست و گردهم‌آیی‌ها، صدور اعلامیه‌ها و توافق‌نامه‌ها، نمی‌توان به حل مشکلات ناشی از کمبود آب پرداخت بلکه برای دستیابی و تحقق اهداف توسعه‌ای در زمینه آب، باید گام‌هایی اساسی و عملی متناسب با شرایط بومی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی کشورها برداشته شود. اکثر جوامع و مردم کشورهای جهان - به‌ویژه کشورهای درحال توسعه - در زمینه مدیریت، بهره‌برداری و توزیع منابع آبی، با چالش‌های مدیریتی فراوان مواجه‌اند و از آن جمله عدم ثبات سیاسی و اقتصادی این کشورهاست، به گونه‌ای که سیاست‌ها و برنامه‌های آنها در مواجهه با مسائل و چالش‌های مدیریتی آب، گذرا و کوتاه‌مدت بوده و هر از چند گاه به درگیری‌های محلی میان کشاورزان و نیز سایر اقشار مردم انجامیده است.

به دلیل تخلفات و تبعیض‌های گسترده و نیز مشکلات پدید آمده در زمینه دستیابی به آب و مدیریت آن، روز به روز، کشورهای بیشتری نسبت به پیوستن به محافل و نهادهای بین‌المللی مسئول گرایش نشان می‌دهند. در سال‌های اخیر، گردهم‌آیی‌ها و نشست‌های متعدد از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف برگزار شده که از آن جمله گردهم‌آیی مومبای^(۲) هند در ۲۰۰۴ با هدف بررسی بحران‌های جاری آب در جهان بوده است. هدف اصلی این گردهم‌آیی، اتخاذ راهکارهایی مؤثر، دموکراتیک، عملیاتی و عدالت‌محور برای رویارویی با این بحران بود و طی آن، بر اساس مطالعات انجام‌شده، راهکارها و نظریه‌هایی جدید با تأکید بر چالش‌های جامعه‌شناختی و شرایط بومی و زیست‌محیطی اتخاذ شد، که بسیار مورد اقبال قرار گرفت.

از لحاظ تاریخی، همواره کشورهای در حال توسعه با مشکلات بسیار در زمینه استحصال، بهره‌برداری و توزیع آب و نیز شناسایی توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن مواجه بوده‌اند. محور اساسی این مشکلات عدم مشارکت جمعی و همگانی مردم در راهبردهای توسعه‌ای در مدیریت آب بوده است؛ برای نمونه، تعداد زیادی از پروژه‌های احداث سدهای برق‌آبی در برزیل، آرژانتین، پاراگوئه، کلمبیا و مکزیک، به دلیل عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و نبود وفاق جمعی، با اعتراضات گسترده مردمی و مناقشات قومی روبه‌رو شده است.

به تازگی، مشارکت اجتماعی در مدیریت و بهره‌برداری آب به مثابه واقعیتی انکارناپذیر در جوامع و اقتصادهای مختلف مطرح شده و مورد تأکید دانشمندان، سیاست‌گذاران و مدیران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. مقولاتی همچون برابری اجتماعی، تنظیم قدرت، مشارکت مردم، و دموکراسی در مدیریت و تصمیم‌گیری از مهم‌ترین مفاهیم و مقولات مورد تأکید است.

در مطالعات موردی بسیاری که اخیراً نهادها و مؤسسات غیرانتفاعی در زمینه «مدیریت آب و جلوگیری از بحران» به انجام رسانده‌اند، مقوله «مشارکت» و به‌ویژه مشارکت‌های مردمی، منطقه‌ای و بومی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. چنان‌که این

نهادهای و مؤسسات تصریح می‌کنند، باید برنامه‌ریزان با در نظر گرفتن این پنج مقوله اساسی به تدوین و هدایت طرح‌های خود پردازند: مشارکت و مدیریت آب منطقه‌ای، مشارکت و پویایی جنسیت در مدیریت آب، مشارکت و حاکمیت در حوضه‌های آبرگیر رودخانه‌ها، مشارکت و اجرای مدیریت آب، و سرانجام، مشارکت و سیاست‌های اداره آب.

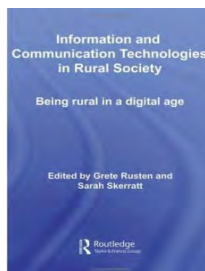
این مسائل و مفاهیم و ده‌ها مورد اساسی دیگر موضوع اصلی کتاب «مشارکت اجتماعی در حاکمیت و مدیریت آب» است، که از سوی ناشر و نویسندگان مطرح در این حوزه به خوانندگان ارائه شده است. این کتاب دربرگیرنده مقاله‌های تخصصی و تحقیقی متعدد در زمینه موضوعات پیش‌گفته شامل استحصال، بهره‌برداری و توزیع عادلانه آب در کشورها، چالش‌های فراراه مؤسسات و سازمان‌های مسئول، و مهم‌تر از همه، مباحثی جدید در حوزه «مشارکت اجتماعی در مدیریت آب» بوده، و دست‌کم دارای دو ویژگی بارز است: نخست آنکه به یکی از مهم‌ترین مسائل روز جهان، یعنی «آب و مدیریت آن» می‌پردازد؛ و دیگر آنکه اطلاعات، نظریه‌ها و راهکارهای عملیاتی ارائه‌شده از سوی نویسندگان آن به‌روز است.

مخاطبان این کتاب را طیف گسترده پژوهشگران و مدیران اجرایی تشکیل می‌دهند و از این‌رو، شایسته است دانشجویان، برنامه‌ریزان و مدیران سطوح گوناگون از خواندن و تأمل در مباحث آن غفلت نورزند.

دکتر علی شاه‌شجاعی

یادداشت‌ها

1. United Nations Development Program (UNDP)
2. Mumbai



Information and Communication Technologies in Rural Society: Being Rural in a Digital Age
 Edited by Grete Rusten and Sarah Skerratt. London: Routledge, 2008, 183 p.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه روستایی: ماهیت

روستا در عصر دیجیتال / ویراستاران: گرت رستن و سارا اسکرات. لندن: راتلج، ۲۰۰۸، ۱۸۳ ص.

حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (آی. سی. تی)^(۱)، هر روز ابعادی تازه به خود می‌گیرد و تأثیرات پر دامنه استفاده از داده‌های دیجیتال (تجارت، آموزش و یادگیری، حکومت و خدمات الکترونیک)، هم در نواحی شهری و هم در اجتماعات روستایی به وضوح مشاهده می‌شود. در محیط‌های روستایی، به دلیل موقعیت جغرافیایی و توزیع و پراکندگی جمعیت، این بحث از اهمیت بسیاری برخوردار است. در کتاب حاضر تلاش شده تا تغییر ماهیت جامعه روستایی که نتیجه افزایش استفاده از این فناوری‌ها و تسهیل ارتباط میان مناطق جغرافیایی است، بررسی شود. آی. سی. تی. در جوامع روستایی گوناگون - بسته به میزان و نحوه کاربست آن در شغل، محیط خانه، اوقات فراغت و روابط اجتماعی - به اشکال مختلفی تجربه می‌شود. این امر از حیث تغییر ماهیت روستانشینی و استلزامات و پیامدهای مکانی و فضایی آن برای سیاست‌گذاری جامعه اطلاعاتی در سطوح ملی و منطقه‌ای، اهمیت فراوان دارد.

شیوه‌های تجربه مردم، اجتماعات و کسب‌وکارهای یک ناحیه روستایی از روستانشینی و چگونگی تغییر این تجربه‌ها در اثر فراگیر شدن آی. سی. تی، از مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان کتاب به شمار می‌آید. به باور آنها، میزان و نوع زیرساخت‌های ارتباطات راه دور در یک مکان را نباید یگانه عامل پدیدآورنده تجربه فضاهای دیجیتال در میان روستاییان دانست. تمرکز نویسندگان، تنها بر اطلاعات یا دانش به مثابه مقولاتی متمایز نیست، بلکه آنها به رابطه متقابل تجارب روستایی و تغییرات رخ داده در این محیط‌ها نظر دارند.

در کتاب حاضر، دو پرسش عمده مطرح شده است: اول اینکه، آیا نواحی روستایی به سبب ضعف زیرساختی و کاستی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، در قیاس با شهرها وضعیتی حاشیه‌ای و محروم دارند؟ دوم اینکه، چگونه کاربست آی. سی. تی. در مناطق روستایی، ماهیت این مناطق را از جنبه زندگی و کار، تغییر می‌دهد؟ استفاده از آی. سی. تی. در این نواحی، ابعادی چون کاهش فواصل، افزایش مشارکت بازار، تقویت پیوند میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، بهبود وضعیت بازاریابی و برون‌شد از حالت انزوا را شامل می‌شود.

وجود تقسیم‌بندی‌های شهری - روستایی در حوزه آی. سی. تی. و نیز تقسیمات درون-روستایی در این عرصه موجب شده است تا مزایای فناورانه بالقوه‌ای که مناطق روستایی می‌توانند از آنها بهره‌برند، تا این زمان محقق نشود. دغدغه نظری بسیاری از پژوهش‌های حوزه آی. سی. تی.، محو فاصله‌ها از طریق این پدیده است. کتاب حاضر از ۴ بخش و ۸ فصل تشکیل شده و در فصول مختلف آن، اصلی‌ترین موضوعات و چالش‌هایی که در مباحث و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با جامعه اطلاعاتی روستایی می‌توان مشاهده کرد، بررسی شده است. تمرکز نویسندگان کتاب، به‌ویژه بر این سه حیطه است:

- ۱- معمول ساختن آی. سی. تی. در کسب‌وکارهای خرد و متوسط مناطق روستایی و اهمیت ظرفیت‌سازی در این زمینه؛
- ۲- پایایی مکان (توجه به نقش تعدیل‌کننده آن و نیز در نظر گرفتن آن به مثابه یک کالای قابل عرضه در بازار)؛ و
- ۳- اهمیت تناسب آی. سی. تی. با زمینه اجتماعی و فرهنگی‌ای که در آن به کار گرفته می‌شود.

فصل اول (ماهیت روستا در عصر دیجیتال)، پیش از بخش اول کتاب قرار گرفته و اشاره‌ای است به کلیت کتاب و اهداف آن.

بخش اول با عنوان «درک آی. سی. تی. در کسب و کارهای خُرد و متوسط روستایی»، فصول دوم و سوم را دربرمی‌گیرد. فصل دوم، «به‌کارگیری اینترنت در مؤسسات تجاری مناطق روستایی»، چندوچون تجارت الکترونیک مؤسسات روستایی را به بحث می‌کشد و بهره‌گیری این مؤسسات از آی. سی. تی. را از حیث متمایز شدن آنها از نهادهای دیگر، اعتمادسازی در میان مصرف‌کنندگان، افزایش سهم در بازار و کسب سود بیشتر بررسی می‌کند. آی. سی. تی. می‌تواند این مؤسسات را به جایگزین کارآمد شرکت‌هایی بدل سازد که انحصار تولید و فروش کالاهای سنتی محلی را در دست دارند. فصل سوم که «مشاغل روستامحور، شرکت‌های خدمات حرفه‌ای و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی» نام دارد، به تبیین این موضوع اختصاص یافته که چگونه ایجاد هماهنگی بین محیط‌های شهری و روستایی در زمینه آی. سی. تی.، مزایایی برای هر دو محیط دربرخواهد داشت. به علاوه، این فصل به نقد رویکردهایی پرداخته که صرفاً بر تأثیرات اینترنت متمرکزند و نه خط سیر تاریخی پذیرش و کاربست فناوری.

بخش دوم کتاب (پایایی مکان)، فصول چهارم و پنجم را در خود جای داده است. در فصل چهارم یا «پیوند فعالیت‌های محلی تولید مواد غذایی با مصرف‌کنندگان جهانی از طریق اینترنت» شیوه‌های استفاده مؤسسات مستقر در نواحی روستایی از آی. سی. تی. به عنوان ابزار فعالیت‌های تبلیغاتی و نیز فعالیت‌های تجاری مکان‌محور، بررسی شده است. در فصل پنجم، تحت عنوان «اهمیت وجود یک محیط مشارکتی به منظور به-کارگیری آی. سی. تی. در مناطق روستایی» از شمول یا دربرگیری الکترونیک محیط‌های مشارکتی و نقش این موضوع در تأمین غیررسمی و مشارکتی تسهیلات آی. سی. تی. در اجتماعات روستایی سخن به میان آمده است.

فصل‌های ششم و هفتم در بخش سوم کتاب (اهمیت تناسب اجتماعی و فرهنگی آی. سی. تی. با جامعه روستایی)، قرار گرفته‌اند. در فصل ششم با عنوان «تقسیم‌بندی‌های دیجیتال در درون خانوارها»، تغییرپذیری استفاده از آی. سی. تی. در میان خانوارهای روستایی بررسی، و معانی ضمنی و پیامدهای محو فاصله‌ها و نیز مدل‌های جامعه

اطلاعاتی تحلیل شده است. فصل هفتم کتاب (احیای زبان‌های بومی روستا) مسئله‌ای همواره بحث‌انگیز را پیش کشیده است: سرنوشت زبان‌های گروه‌های اقلیت در دنیای اینترنت و معانی نهفته در این موضوع از جنبه استفاده پایدار از آی. سی. تی. در روستاها.

بخش چهارم کتاب (امکان‌پذیری و خط سیر سیاست‌های جامعه اطلاعاتی)، فصل پایانی را با عنوان «سیاست‌گذاری و جامعه اطلاعاتی روستایی» دربر می‌گیرد. این فصل به بازنگری انتقادی سیاست‌هایی اختصاص یافته که دست‌آوردشان، بازتولید تقسیم‌بندی‌ها و شکاف‌های حوزه آی. سی. تی. و عقب‌نگه داشتن مناطق روستایی از حیث کاربری و بهره‌مندی از آن است.

موضوع این کتاب، به ویژه از حیث توسعه روستایی در کشور ما اهمیت فراوانی دارد. در ایران، توسعه آی. سی. تی. در روستاها به عنوان یکی از دغدغه‌های مسئولان در دسترسی به اطلاعات، محرومیت‌زدایی و پیشگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها مطرح شده است. در این راستا، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از سال ۱۳۸۴ در حال تجهیز ده هزار روستای کشور به دفاتر روستایی آی. سی. تی. است. در این دفاتر، خدمات ارتباطی، پست، پست بانک و سایر خدمات مرتبط، به روستاییان ارائه می‌شود (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۶: ۵۶). بدین ترتیب، سیاست‌گذاری برای توسعه اطلاعاتی روستاها در ایران - با توجه به دو عامل جمعیت و وجود شبکه مخابراتی مناسب - از برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) آغاز شده است (همان، ۲۱۳).

آنچه این‌گونه سیاست‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده، ناپایداری وضعیت کنونی روستاها در عصر اطلاعات و جهانی‌شدن اقتصاد است که تغییراتی اساسی در پارادایم‌های سنتی توسعه روستایی نیز به دنبال داشته است. آشنایی و بهره‌گیری روستاییان از آی. سی. تی. را می‌بایست یکی از پارادایم‌های نوین توسعه روستایی و توانمندسازی اجتماعات محلی به شمار آورد. تجربه راه‌اندازی دفاتر خدماتی آی. سی. تی. در روستاهایی چون قرن‌آباد و لیوان شرقی در استان گلستان حاکی از تأثیرات مثبت اقتصادی و اجتماعی بر

زندگی ساکنان، به‌ویژه زنان و جوانان روستایی است. ارتقای دانش عمومی و تخصصی در هر دو روستا از مهم‌ترین نتایج تأسیس این دفاتر است (UNESCO, 2006).

نیاز روستاییان به اطلاعات نوین در حوزه‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، آبخیزداری، پرورش ماهی و مانند آن، امکان آموزش، بازاریابی و بانکداری الکترونیک در کنار اهمیت پیش‌بینی بلایای طبیعی نظیر طوفان، زلزله، سیل، خشکسالی، آفات و بیماری‌های انسان، گیاهان و دام، لزوم دسترسی آنان به آی. سی. تی. را کاملاً نشان می‌دهد (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۶: ۸۶). آی. سی. تی. می‌تواند مزایایی از این قبیل را برای روستاییان به همراه داشته باشد: رونق گردشگری به نفع اجتماعات محلی و روستایی (منتظر قائم، ۱۳۸۴: ۱۶۶)، مهارت‌آموزی بزرگسالان روستایی (فائو و یونسکو، ۱۳۸۴: ۱۷۶)، سرعت بخشیدن به تعاملات، شفاف سازی عملکرد و پاسخگو کردن مؤسسات دولتی، تجاری و روستایی، کاستن از هزینه‌های معامله میان کشاورزان فقیر و بازرگانان و نیز آگاهی از خدمات ترویجی، بهبود روش‌های حمل‌ونقل، توزیع، بیمه و انبارداری در مناطق روستایی (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۶: ۹۱)، کاستن از شکاف‌های جنسیتی، انتشار هنرها، تفریحات و آگاهی‌های عمومی در کنار امکان خودآموزی و خوداشتغالی (منتظر قائم، ۱۳۸۴: ۱۶۱) و مواردی چون بهبود روش‌های جمع‌آوری زباله و شبکه دفع فاضلاب روستایی.

اهمیت کتبی از این دست در مباحث روستایی کشور ما همچنین از آن روست که وجود شبکه ملی دانش و اطلاعات روستایی (مثلاً در حوزه کشاورزی) به کارشناسان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی امکان می‌دهد جریان و تعادل میان ترویج، تحقیق و توسعه روستایی را سمت‌وسوی بهتری بخشند. در جامعه دانایی‌مدارِ امروزی، شناخت جامعه روستایی به‌ویژه الگوهای دریافت و نشر اطلاعات و دانش در آن از مهم‌ترین ملاحظات است (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۶: ۱۸۱). به همین دلیل، لازم است دولت در برنامه پنجم توسعه به گسترش نظام فناوری اطلاعات روستایی به عنوان یکی از محورهای عمده برنامه توسعه روستایی کشور توجه کند.

بدین منظور، اقداماتی از این دست می‌بایست مدنظر قرار گیرد: ترغیب نیروهای متخصص به حضور در روستا (همان، ۲۸)، سازگاری نظام‌های ارتباطی نوین و سنتی (همان، ۱۸۱)، مشارکت همه گروه‌های ذی‌نفع در فرایند طراحی پروژه‌های روستایی، استفاده از محتوای محلی و رابط‌های زبانی منطقه‌ای به منظور تسهیل کاربرد آی. سی. تی. در روستاها (Rama Rao, 2004)، توجه به عوامل انگیزشی و نهادی در کارآیی خدمات آی. سی. تی.، جهت‌گیری محلی عرضه خدمات (Maghsoudi et al., 2010)، ارائه خدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ارزان به مناطق روستایی، همکاری بخش خصوصی در تأمین این‌گونه خدمات و به‌خصوص ظرفیت‌سازی (مهارت‌آموزی افراد سطوح مختلف روستا)، و بهره‌گیری از واسطه‌های اطلاعاتی برای بهره‌مند ساختن افراد بومی از خدمات فناوری.

کوتاه سخن آنکه کتاب حاضر، با واریسی مباحثی که عرصه‌های پژوهشی توسعه روستایی، توسعه منطقه‌ای و مدیریت فناوری‌های نوین را دربر می‌گیرد، با موضوعات حال و آینده جامعه روستایی ما نیز پیوند یافته است و هم از این روست که اثری درخور توجه و کاربردی به شمار می‌آید.

منابع

- فائو و یونسکو (۱۳۸۴)، *آموزش برای توسعه روستایی: راهی برای پاسخگویی به سیاست‌های نوین*. به کوشش دفتر محیط زیست و توسعه پایدار کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۴)، «نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اشتغال جوانان». *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۶)، *مجموعه چکیده مقاله‌های دومین همایش ملی توسعه روستایی در ایران*، ۱۱ و ۱۲ دی. تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- Maghsoudi, Tahmasb, et al. (2010), "An investigation of solutions to empowering Iranian rural people to use services offered by

Information and Communication Technology Service Offices: The case of Isfahan province". *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, Vol. 5, No. 2, pp. 161-168.

Rama Rao, T. P. (2004), "ICT and e-governance for rural development". Prepared for *Symposium on Governance in Development: Issues, Challenges and Strategies*. Anand (Gujarat): Institute of Rural Management.

UNESCO and Virtual System Processing Company (2006), *The Socio-Economic Impact of ICTs in Rural Iran*. Tehran: UNESCO Office in Tehran.

مهدی ابراهیمی*



* کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.